

کاربست راهبرد مدارای سیاسی در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه شهید مطهری

یاسر برخوردار*

چکیده

انقلابیون در سال‌های آغازین قیام مردمی در ایران علیه نظام شاهنشاهی با تاکید و اصرار بر مولفه‌های سلب مشروعیت از سلسله‌ی پهلوی، جریان مبارزه را سامان دادند. بر این اساس نخبگان انقلابی در طیف مسلمانان پیرو روحانیت مبارز، بدون معرفی اجزای نظام سیاسی جایگزین، کلیت نظام مطلوب را با محوریت ولایت فقیه وارد سپهر سیاسی کشور کردند.

شتاب و شدت فرایند فروپاشی رژیم محمدرضا پهلوی، پرسش‌های متعددی را در ترسیم مولفه‌های نظام سیاسی موردنظر رهبران انقلاب اسلامی متوجه آنان کرد که پاسخ‌گویی به آن‌ها به منظور همراهی ثمربخش و نتیجه‌ی نهایی نهضت مردمی، ضرورتی انکارناپذیر می‌نمود.

استاد شهید مطهری به‌عنوان یکی از برجسته‌ترین شاگردان امام خمینی (ره) و مطرح‌ترین رهبران فکری انقلاب اسلامی، سعی کرد با مساعی مسئولانه و بهره‌گیری از اصول اساسی دین اسلام به همراه مقتضیات بومی و ملی ایران، چارچوب مشخصی را برای استقرار الگوی حکمرانی و نظم جایگزین حل مساله و غلبه بر چالش‌های پیش‌رو ارائه کند.

یکی از مسائل اساسی نظام سیاسی از ابتدای تاسیس تاکنون، وضعیت و شرایط خاص جمهوری اسلامی ایران برای مواجهه و تعامل با مخالفان در بحران‌های داخلی و دخالت‌های خارجی بوده که حاکمیت را همواره در معرض دیدگاه‌های متناقض از همدلانه تا مغرضانه قرار داده است.

این مقاله با در نظر گرفتن نقش بی‌بدیل اندیشه و سیره‌ی علمی و عملی استاد شهید

* دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، معاون علمی، پژوهشی پژوهشکده تحقیقات راهبردی، تهران، ایران
Yb1359@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۶/۱۲

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۳/۳۰

فصلنامه راهبرد، سال بیست‌ونهم، شماره نودوپنج، تابستان ۱۳۹۹، صص ۵۲-۲۹

مطهری در تکوین فرآیند مبارزه و استمرار تاثیر آن در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی؛ درصدد پاسخ به این سوال است:

«از دیدگاه شهید مطهری، در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران، چرا و چگونه بایستی مدارای سیاسی اعمال شود؟»

در ادامه با بهره‌گیری از روش داده بنیاد و محوریت مفهوم‌سازی، ضمن تعریف مدارا در اندیشه‌ی غرب و اسلام و تبیین جایگاه مولفه‌ی مدارای سیاسی در منظومه‌ی فکری استاد شهید، کاربردی مدارای سیاسی در نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه ایشان در حوزه‌های سه‌گانه‌ی بینش، گرایش و کنش مورد بازخوانی و بازاندیشی قرار گرفته و تجویزهای راهبردی در مواجهه با چالش‌های موجود در این حوزه ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: مدارای سیاسی، الگوی حکمرانی، اندیشه‌ی سیاسی، شهید مطهری، مخالفان سیاسی

مقدمه

از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی انقلاب‌هایی که به تغییر نظام سیاسی می‌انجامد، تبیین الزامات شکلی و محتوایی در دوران پس‌انقلاب است که در انقلاب اسلامی ایران نیز از داخل و خارج کشور در مورد آن مباحث چالش‌برانگیزی صورت گرفت. مطالبه‌ی حضرت امام خمینی (ره) به‌عنوان رهبر نهضت به‌منظور مشارکت در ساخت نظام سیاسی جایگزین؛ پس از ارائه‌ی پیشنهادهای مختلف از سوی روحانیون، روشن‌فکران و گروه‌های سیاسی؛ با انجام همه‌پرسی و رأی اکثریت مردم در ۱۲ فروردین‌ماه ۱۳۵۸؛ با رونمایی از جمهوری اسلامی ایران همراه شد. تلفیق دو عنصر جمهوریت و اسلامیت با پیوند دین و سیاست، پارادایم سکولاریسم سیاسی را با چالش مواجه کرده بود و براین‌اساس برای مواجهه با مخالفان خویش، نیازمند تبیین اصول و مبانی خود بوده است. براین‌اساس صورت‌بندی مخالفان جمهوری اسلامی از حوزه‌ی فکر و اندیشه تا مبارزه‌ی مسلحانه و نظامی در داخل و خارج از کشور؛ بیانگر ضرورت سامان‌بخشی به الگوی مواجهه و تعامل با مخالفان سیاسی است. ارائه‌ی الگویی برای تعیین خط‌مشی‌ها و نوع رفتار نظام سیاسی مستقر با افراد و گروه‌های مخالف، از جمله دل‌مشغولی‌های مسئولان جمهوری اسلامی است که در سپهر سیاست‌ورزی ارتباط مستقیمی با کارآمدی و به‌تبع آن با بازتولید منابع مشروعیت داشته و برهمین‌اساس شاهد شکل‌گیری و ارائه‌ی طیفی متنوع و متکثر از سلايق و مباحث مربوط به تساهل و مدارای سیاسی با مخالفان بوده‌ایم. فقدان الگویی بومی از مدارای سیاسی که بر مبنای آموزه‌های دین اسلام و

بهره‌گیری از فرهنگ و تمدن ایران پی‌ریزی شده و نیز سلطه‌ی گفتمان‌های غربی در حوزه‌ی علوم انسانی، از جمله چالش‌های اساسی به شمار می‌رود که این امر سبب‌ساز اعمال سلاقی مختلف در سطوح گوناگون مدیریتی شده است. با در نظر گرفتن این موضوع؛ بازخوانی اندیشه‌های رهبران فکری انقلاب اسلامی از جمله شهید مطهری در حوزه مدارای سیاسی می‌تواند به صورت شایان توجهی به اجماع نخبگانی به‌منظور اتخاذ راهبرد مطلوب در الگوی حکمرانی جمهوری اسلامی ایران کمک کند.

۱. پرسش‌های اصلی و روش پژوهش

آنچه در این مقاله به‌عنوان هدف اصلی نشانه‌گذاری شده است، شناخت دقیق ابعاد مدارا در منظومه فکری استاد شهید مطهری و کاربست آن در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

به همین منظور این مقاله تلاش دارد برای کمک به تدوین الگوی مفهومی با محوریت مدارای سیاسی به‌عنوان راهبرد حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران از بنیادهای اندیشه‌ای شهید مطهری بهره‌گیرد. از این‌رو، پرسش‌های اصلی این نوشتار عبارتند از:

- مؤلفه‌های اصلی چرایی مدارا و چگونگی اعمال مدارا در اندیشه‌ی استاد شهید مطهری کدامند؟

- محدوده‌ی مدارا و عدم‌مدارا در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران با چه شاخصه‌هایی شناخته می‌شود؟

روش تحقیق در این مقاله، روش داده‌بنیاد با محوریت مفهوم‌سازی خواهد بود که عبارت است از فرآیند ساخت یک نظریه‌ی مستند و مدون از طریق گردآوری سازمان‌یافته‌ی داده‌ها و تحلیل استقرایی مجموعه داده‌های گردآوری‌شده به‌منظور پاسخ‌گویی به پرسش‌های نوین در زمینه‌هایی که فاقد مبانی نظری کافی برای تدوین هرگونه فرضیه و آزمون آن هستند. (منصوریان، ۱۳۸۶: ۵)

در این روش، تحلیل داده‌هایی که به‌منظور تکوین نظریه گردآوری می‌شوند با استفاده از کدگذاری انجام می‌شود. کدگذاری فرآیندی است که داده‌ها را با

نظریه پیوند می‌دهد. در واقع از طریق کدگذاری کدهای مفهومی ایجاد می‌شوند که پیوند میان داده‌ها و نظریه را روشن می‌کند. این فرآیند در سه مرحله با عناوین کدگذاری باز، محوری و انتخابی صورت گرفته که نتایج آن در جدول مقاله به نمایش درآمده است.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. مدارا در غرب

تفاوت تعریف مفهوم تساهل و مدارا در غرب به‌عنوان خاستگاه اولیه پدیدار شدن آن در جایگاه و معنای «مطالبه شهروندی» با معنا و مفهوم آن در اسلام، ضرورت مطالعه و پژوهش در این موضوع را بیشتر می‌سازد. تساهل و مدارا در غرب، در مواجهه با عملکرد ناصواب نهاد کلیسا در حوزه اعتقادی و ایمانی آغاز شد و در مسیر تطور خود به حوزه‌های دیگر نیز سرایت کرد.

به عبارت دیگر، اندیشه تساهل در علوم انسانی به لحاظ تبارشناسی تاریخی، از دوران منازعات مذهبی در اروپا پدید آمد و در آغاز به معنای حق انتخاب مذهب از سوی فرد و عمل بدان بود و به تدریج تساهل در برابر هر عقیده‌ای را شامل شد (بشیریه، ۱۳۷۴: ۷۱).

جان لاک موضوع تساهل و مدارا را از مذهب و شناخت حقیقت آن آغاز کرده است. او با توجه به تجربه خود از جنگ‌های مذهبی و برخوردهای ایدئولوژیک ناشی از فرقه‌گرایی‌های مسلکی و جهان‌بینی‌های متنوع در نگاه به مسیحیت، مدعی می‌شود که علت اصلی برخوردهای اجتماعی زمان او ریشه در اعتقادات شخصی مذهبی دارد؛ به این ترتیب که هرکس به خود حق می‌دهد با سیر و سلوک و نگاه ابداعی و بعضاً ناصوابش به مذهب، روش فکری خود را آیینی پاک و روش دیگری را تنها به این دلیل که از راه و روش او پیروی نمی‌کند و با آرای او مخالفت دارد، ارتداد بنامد، وی را به اسم مذهب، مورد آزار و شکنجه قرار دهد، غارت کند و حتی به قتل برساند؛ ضمن این‌که معلوم نیست رهیافت و شیوه نگرش خودش تا چه اندازه به حقیقت نزدیک است (شریعت، ۱۳۸۲: ۱۱۲).

می توان گفت مدارا و تساهل در غرب باتوجه به تجربه ناگوار اروپا و نهاد کلیسا در قرون وسطی پدیدار شد و از این جهت بر مبانی فلسفی و نظری تقدم دارد. این مفهوم در مبانی فلسفی و معرفت‌شناختی بر نسبیّت‌گرایی در شناخت مبتنا دارد و در مبانی دینی، با نگاه حداقلی به گستره شریعت می‌نگرد. مدارا و تساهل در مبنای سیاسی در اندیشه غرب زائیده تکثرگرایی دینی و نتیجه مبانی پیش‌گفته در حوزه‌های فلسفی، نظری و تجربه تاریخی است.

۲-۲. مدارا در اسلام

برخلاف غرب، مفهوم تساهل و مدارا در اسلام از اصول و مبانی دینی بوده که در آیات قرآن کریم و روایات رسول اکرم (ص) و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) بدان پرداخته شده است.

تساهل و مدارا در اندیشه‌های اسلامی به دو معنا به کاررفته است؛ نخست، به معنی ساحت شرع مقدس اسلام و دیگری به عنوان یک فضیلت اخلاقی و شیوه رفتار و عمل که در حوزه مناسبات فردی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند؛ بنابراین میان دو مقوله تلرانس و تساهل و مدارای اسلامی تفاوت ماهوی وجود دارد (برزگر و بیات، ۱۳۹۵: ۲۸).

مدارا و قاطعیت از دستورات اسلام و مورد تاکید اسلام است. اگرچه معنای اولیه متبادر در ذهن از مدارا، سازش و تحمل دیگران است، اما دقت در کتب لغوی، اخلاقی، آیات و روایات روشن می‌سازد که مدارا و تساهل در اسلام دارای مفهوم گسترده‌تری است. از صبر، سازش، تحمل، بخشش و تجاهل گرفته تا مهرورزی، خضوع و فروتنی همه در مفهوم مدارای مدنظر اسلام می‌گنجد، اما مسئله در بیان حد و حدود و نحوه کاربست مدارا در شئون مختلف زندگی انسانی است (برزگر، ۱۳۸۹: ۷۲-۴۳).

تساهل و مدارا در اسلام با آنچه در معنای تلرانس در غرب به مدارا ترجمه می‌شود، در تعریف، دامنه، حدود، چرایی و چگونگی؛ تفاوت‌های اساسی دارد و از آنجایی که نظام جمهوری اسلامی ایران در قانون اساسی با مبتنا بر اصول دینی در زمینه حقوق شهروندی و نیز حقوق و تکالیف متقابل مردم و حاکمیت تصریح

داشته، برای تبیین مفهوم مدارا در اندیشه و دوران رهبری حضرت امام خمینی(ره) از تعریف و مفهوم‌شناسی مدارا در اسلام و قرآن کریم بهره گرفته می‌شود.

۲-۳. مدارا در آرای اندیشمندان اسلامی

مفهوم مدارا از جمله دل‌مشغولی‌های فلاسفه و اندیشمندان اسلامی با مشرب‌های متفاوت بوده است؛ اما آنچه اجماع نخبگانی بر آن وجود دارد، ضرورت انکارناپذیری مدارا و تحمل است که زمینه‌ساز هدایت و سعادت نوع بشر است. تاکید برخی از دانشمندان اسلامی بر جایگاه مدارا و تساهل در اجناس فضائل همانند خواجه نصیرالدین طوسی در اخلاق ناصری، احمد بن محمد مسکویه در تهذیب الاخلاق، صدرالمآلهین شیرازی در حکمت متعالیه و عبدالله جوادی آملی در حماسه و عرفان بر این اساس است که مدارا را از جمله فضیلت‌های اخلاقی بر می‌شمارند که ذیل فضیلت عام صبر قرار می‌گیرند که خود از انواع فضائل وابسته به فضیلت شجاعت است. اما به همین میزان اجماع نخبگانی در تقسیم‌بندی مدارا و تساهل به مدارای ممدوح و مدارای مذموم نیز در میان اندیشمندان اسلامی وجود دارد.

آنچه در کنار رویکرد مثبت به تحمل و مدارا در فلسفه سیاسی اسلام از آن نام برده می‌شود، «مداهنه» است که وجه منفی مدارا و تساهل را شکل می‌دهد. مدارا نرمی با مردم و مداهنه نرمی در حقیقت است. متعلق مدارا انسان و متعلق مداهنه حقیقت است. امام خمینی(ره) در شرح حدیث جنود عقل و جهل این گونه بیان می‌کند: اگر بریدن دست معیوب را که باید برید، با مدارا و ملایمت بریدن، زحمت فراهم کند، باید با عطف و عجله و شدت کار را انجام داد که این خرق عین رفق و مدارا است (امام خمینی(ره)، ۱۳۷۴).

نکته اساسی در تعریف محدوده اعمال مدارا و در نقطه مقابل محدوده اعمال خشونت به عنوان مفهوم روبه‌روی مداراست که ضرورت بازخوانی و بررسی منظومه فکری و اندیشه‌ای هرکدام از دانشمندان و فلاسفه اسلامی را ضروری می‌نمایاند. در نحوه مواجهه حکومت اسلامی با مخالفان، اندیشمندان و فلاسفه اسلامی اولویت اول را در تعامل با مخالفان، مدارا و سعه صدر می‌دانند، زیرا در اندیشه

سیاسی اسلام حکومت و قدرت سیاسی برای نیل افراد جامعه به سوی سعادت و تعالی موضوعیت می‌یابد. آن چنان که در کدگذاری مفاهیم و گزاره‌های مرتبط با دانشمندان اسلامی به آن پرداخته شده است، سه مفهوم شرافت، برادری و سعه‌صدر را می‌توان در این منظومه معرفی کرد.

جدول ۱. مدارا و تساهل در آرای اندیشمندان اسلامی

کدگذاری انتخابی	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
دانش داده‌بنیاد	مقوله‌ها	گزاره‌ها
شرافت	شرافت و عظمت نفس و منزلی از منازل سالکین	اختیار تمام‌عیار انسان و پذیرش حق ایمان امری قلبی است که از راه زور حاصل نمی‌شود. مدارا و تساهل از جنود عقل و از لوازم فطرت مخموره مدارا و تساهل منحصر به اخلاق فردی نیست بلکه فضیلتی سیاسی و اجتماعی است. مدارا و تساهل به‌نوعی توانایی و تعهد است. مدارا و تساهل در اصول اعتقادی جایز نیست.
برادری	فضیلت اجتماعی با تأکید بر فضیلت عام صبر و شجاعت	منع مسلمانان از ناسزاگفتن و دشنام‌دادن، توهین کردن و افترا زدن. چشم‌پوشی از انتقام و بدهی‌ها (گذشت و عفو) مدارا و تساهل ضرورت اجتماع انسانی. مدارا و تساهل در رابطه مردم با مردم شایسته است. مدارا و تساهل زمینه‌ساز نفوذ در دل‌هاست.
سعه‌صدر	تأکید بر رعایت حقوق شهروندی و اعمال خشونت در مقابله با توطئه و عمل منافقان	در مسائل اساسی نظام همانند امنیت و عدالت، مدارا و تساهل جایز نیست. نگاه مطلق‌انگارانه به مدارا و تساهل آسیب جدی به این مفاهیم می‌رساند. مدارا نرمی با مردم و مدهانه نرمی در حقیقت است. خشونت تحت شرایطی خاص برای مقابله با توطئه و عمل منافقانه جایز است. حد معقول مدارا و تساهل مطلوب است و اگر از حدود آن تجاوز شود، ارزش و فضیلت نخواهد بود.

۳. مؤلفه‌های مدارا در اندیشه‌ی شهید مطهری

از دیرباز دین اسلامی در یک تقسیم کلاسیک به سه بخش عمده اعتقادات، اخلاقیات و احکام فقهی و عملی طبقه‌بندی شده است. به‌طورمثال کتاب «اصول کافی» کلینی در حدود هزار سال قبل، بر مبنای این ساختار سه‌گانه به تدوین روایات و احادیث پس از غیبت کبری پرداخته است. جلد اول به اصول دین، دوم به دستورات اخلاقی و جلدهای بعدی با عنوان فروع کافی به فروع دین و فقه اختصاص یافته است. احمد نراقی نیز از این سه نوع به‌عنوان علوم واجب یاد کرده است. صاحب‌نظران و کارشناسان برجسته‌ی اسلامی آن را در مباحث علمی خویش در طول تاریخ پرورانده‌اند. علامه طباطبایی با صراحت و توجهی خاص در کتب و مقالات و در تفسیر المیزان به این الگوی سه‌گانه پرداخته‌اند و دین را

شامل سه بخش عقاید، اخلاق و احکام (عملی) دانسته‌اند (برزگر، ۱۳۸۹: ۴۶).
استاد شهید مرتضی مطهری نیز بر این سبک و سیاق، ضمن تطبیق الگوی سه‌گانه‌ی اسلامی یعنی عقاید، اخلاق و احکام با ابعاد سه‌گانه‌ی شناختی، عاطفی و کنشی انسان، سازگاری این الگوی اسلامی را با ابعاد انسانی مطرح می‌کند (مطهری، (۱) ۱۳۸۲: ۶۶).
بر این اساس در این مقاله با بهره‌گیری از الگوی سه‌گانه، مؤلفه‌های مدارا در اندیشه‌ی استاد شهید مطهری بیان خواهد شد.

۳-۱. آزادی اسلامی

از دیدگاه شهید مطهری فرد مومن به آخرت از بند تعلق دنیا رها شده و این امر سبب می‌شود تا به آزادی دیگران احترام گذارد؛ زیرا انسان تا زمانی که دوستدار دنیا باشد، اسیر شهوت، خشم و حرص خود است و نمی‌تواند پاسدار آزادی دیگران باشد (مطهری، ۱۳۸۴: ۲۶).

شهید مطهری معتقد است: «اعتقاد به خدا مساوی است با اینکه انسان آزاد و مختار باشد» (مطهری، مجموعه آثار، جلد ۱: ۵۲۶). در منظومه‌ی فکری شهید مطهری، آزادی در ساحت‌های اعتقادی، اخلاقی و سیاسی دارای حدود مشخص و متفاوتی است که لزوم رعایت آن ضرورت دارد.

در ساحت آزادی فکری و عقیدتی با استناد به قرآن کریم و سیره‌ی ائمه اطهار(ع) و هم‌چنین روایات و احادیث معتبر، استاد شهید به آزادی بیان معتقدند؛ «هر مکتبی که ایمان و اعتقادی به خود ندارد، جلوی آزادی اندیشه و تفکر را می‌گیرد. این‌گونه مکاتب ناچارند مردم را در یک محدوده‌ی خاص فکری نگه دارند و از رشد افکارشان جلوگیری کنند. من اعلام می‌کنم که در رژیم جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد و از به‌اصطلاح کانالیزه کردن اندیشه‌ها، خبر و اثری نخواهد بود. همه باید آزاد باشند که حاصل اندیشه‌ها و تفکرات اصلی‌شان را عرضه کنند» (مطهری، (۱) ۱۳۷۲: ۱۱).

استدلال شهید مطهری برای مدارای حداکثری در ساحت عقیدتی - فکری این‌گونه است: «من در نوشته‌های خود نوشته‌ام: هرگز از پیدایش افراد شکاک در

اجتماع که علیه اسلام سخنرانی می‌کنند و مقاله می‌نویسند، متأثر که نمی‌شوم هیچ، از یک نظر خوشحال می‌شوم. چون می‌دانم پیدایش این‌ها سبب می‌شد که چهره‌ی اسلامی بیشتر نمایان شود. وجود افراد شکاک و افرادی که علیه دین سخنرانی می‌کنند، وقتی خطرناک است که حامیان دین آن‌قدر مرده و بی‌روح باشند که در مقام جواب برنیایند؛ یعنی عکس‌العمل نشان ندهند؛ اما همین مقدار حیات و زندگی در ملت اسلامی وجود داشته باشد که درمقابل ضربت دشمن عکس‌العمل نشان بدهند، مطمئن باشید که درنهایت امر، به نفع اسلام است» (مطهری، (۱) ۱۳۷۲: ۱۱).

شهید مطهری در آزادی عقیده و فکر، مرز اعمال محدودیت را مقابله با ارائه افکار و عقاید شخصی با بهره‌گیری از عنوان اسلام بیان می‌کنند: «احزاب و افراد درحدی که عقیده‌ی خودشان را صریحا می‌گویند و با منطق خود به جنگ منطق ما می‌آیند، آن‌ها را می‌پذیریم؛ اما اگر بخواهند در زیر لوای اسلامی، افکار و عقاید خودشان را بگویند، ما حق داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم اسلام چنین چیزی نمی‌گوید، حق داریم بگوییم به نام اسلام این کار را نکنید» (مطهری، (۱) ۱۳۷۲: ۱۷).

در این ساحت می‌توان عصاره‌ی دیدگاه شهید مطهری را این‌چنین جمع‌بندی کرد: «من به جوانان و طرفداران اسلام هشدار می‌دهم که خیال نکنند راه حفظ معتقدات اسلامی، جلوگیری از ابراز عقیده‌ی دیگران است. از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه‌ی روشن و صریح با آن‌ها» (مطهری، (۱) ۱۳۷۲: ۱۹).

در ساحت اخلاقی - گرایشی، شهید مطهری معتقد است اخلاق نوعی تربیت است که در آن خلق و حالت و عادت کسب می‌شود. (مطهری، (۲) ۱۳۸۴: ۳۴۷، ۴۳۶)

بر این اساس شهید مطهری میان آزادی و اخلاق نسبتی مستقیم برقرار می‌کند. زیرا آزادی انسان در مسیر کمال به او کمک‌رسان است: «آزادی یعنی نبودن مانع، نبودن جبر، نبودن هیچ قیدوبندی در سر راه، پس آزادم و می‌توانم راه کمال خودم را طی کنم. نه اینکه چون آزادم به کمال خود رسیده‌ام» (مرتضی مطهری، (۱) ۱۳۹۴).

استاد شهید در ساحت اخلاق - گرایشی، اعتقادی به اجبار و تحمیل در فراگیری

اخلاقیات نداشته و البته هرج و مرج را نیز به دلیل آنچه از آن با عنوان نفی اخلاق و فضایل اخلاق یاد می‌شود، رد می‌کنند. به تعبیر دیگر در این ساحت، استبداد و هرج و مرج به مثابه‌ی دو لبه یک قیچی، به اخلاق ضربه وارد می‌کنند؛ زیرا این دو، شرایط اخلاقی را در جامعه دگرگون می‌سازند. با در نظر گرفتن این وضعیت، مدارای نظام سیاسی در حوزه‌ی اخلاق - گرایش‌های بایستی معتدل بوده و ضمن پاسداری از حدود الهی، از غلتیدن به ورطه‌ی استبداد و اجبار و تحمیل اجتناب کند.

در ساحت فقهی - سیاسی که با کنش‌های سیاسی مواجه هستیم، شهید مطهری به‌طور مشخص به حدود و زوایای آزادی و مدارای سیاسی اشاره دارد. «در حکومت اسلامی احزاب آزادند و هر حزبی اگر عقیده‌ی غیراسلامی هم دارد آزاد است؛ اما اجازه‌ی توطئه‌گری و فریب‌کاری نمی‌دهیم» (مطهری، ۱۳۷۹: ۱۴-۱۳)

آزادی‌بیان در ابراز عقاید، آزادی احزاب و انجمن‌ها، آزادی در انتخابات، سه‌گانه‌ی محوری در نسبت میان مدارای سیاسی و آزادی اسلامی است که حدود و ثغور آن در قالب سه محور توسط استاد شهید مطرح شده است:

- اخلال آزادی فرد در آزادی دیگران یا سلب‌کننده‌ی آزادی دیگران.
- اخلال آزادی فرد در مصالح عالی‌هی اجتماع؛ در این حالت اولویت با مصالح عالی‌هی اجتماع است.
- اخلال آزادی فرد در مصالح مسلم شخصی خود فرد، تعلیم و تربیت، بهداشت و حفظ‌الصحه (حسینی، ۱۳۹۵: ۱۵).

بر این اساس نسبت آزادی اسلامی و مدارا در ساحت فقهی - کنشی با سنجه‌ی سه‌گانه‌ی بیان عقاید سیاسی، فعالیت احزاب و انجمن‌های سیاسی و انتخابات میزان می‌شود.

نظام اسلامی در این سه‌گانه مقید به مدارا بوده و حدود و ثغور پیش‌گفته محدود‌هی مدارا را معین می‌کند.

۳-۲. کرامت انسانی و اخلاق اسلامی

شهید مطهری بنا به اصول اعتقادی دین اسلام که بدان معتقد بودند، انسان را

دارای کرامت ذاتی پنداشته و براین اساس گفت‌وگومحوری و امتناع را بر برخورد‌های سلبی و اجباری مقدم می‌شمردند. در دیدگاه استاد شهید؛ باتوجه به کرامت نوع انسان بایستی نرمی و مدارا در دعوت و گفت‌وگو محور باشد تا با بهره‌گیری از استدلال به سمت اقتناع پیش رفت. این مهم از آنجایی ضرورت می‌یابد که بدانیم کرامت انسانی اساس حقوق و تکالیف انسان به‌شمار می‌رود و در دین اسلام مهم‌ترین محور و شاخص آن تقوا و ایمان است. «با مکرم داشتن نفس است که تمام اخلاق مقدسه در انسان زنده می‌شود و تمام اخلاق رذیله از انسان دور می‌شود. اگر این خود کرامت پیدا کرد، شخصیت خودش را بازیافت و در انسان زنده شد، دیگر به انسان اجازه نمی‌دهد که راستی را رها کند، دنبال دروغ برود، امانت را رها کند دنبال خیانت برود، عزت را رها کند دنبال تن به ذلت دادن برود، عفت‌کلام را رها کند دنبال غیبت کردن برود ... (مطهری، (۲) ۱۳۷۲ : ۱۵۹).

با تدقیق در کرامت انسانی، شهید مطهری پیوند مستحکمی را با اخلاق اسلامی مطرح می‌کند. درحقیقت می‌توان کرامت را استوانه‌ی اصلی اخلاق برشمرد و این دو را لازم و ملزوم یکدیگر دانست. توجه به این دو مؤلفه در ارتباط وثیق با مفهوم مدارا و قدرت‌پذیرش و تحمل آرای مخالف به‌منظور گفت‌وگوی احسن با کلیدواژه‌ای به نام تواضع پیوند می‌خورد.

البته نبایستی تواضع را با تحقیر نفس اشتباه گرفت، زیرا تواضع در هم‌افزایی با کرامت انسانی است که بنا به فرمایش امیرمومنان علی (ع) سبب‌ساز رفعت انسان می‌شود. «بالتواضع تکون الرفعه»

تواضع را می‌توان حاصل اشتراک معنایی کرامت انسانی و اخلاق اسلامی در دستیابی به مفهوم مدارا عنوان کرد.

براین اساس نسبت کرامت انسانی و اخلاق اسلامی با مدارا در ساحت‌های عقیدتی - فکری و اخلاقی - گرایشی، حداکثری است. در این معنا باتوجه به اصل احترام به کرامت انسان و رعایت اخلاق، نظام سیاسی اسلامی موظف است در این حوزه‌ها با شهروندان مدارای حداکثری را اعمال کند و در ساحت فقهی - کنشی در مواقعی که فرد تخلف یا جرمی را که مستحق مجازات است، مرتکب شود؛

حفظ کرامت و رعایت اصول اخلاقی درباره‌ی او الزام دارد.

۳-۳. عدالت

شهید مطهری عدالت را این‌گونه معرفی می‌کند: «عدالت عبارت است از تعامل متناسب با هرکس و هرچیز به‌حسب استعداد، لیاقت و شایستگی» (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۵۹).

«عدالت، مقدس‌ترین مقدمات بشر است. لااقل در میان مقدسات اجتماعی؛ از قبیل آزادی، دموکراسی و مساوات، از همه مقدس‌تر بوده، تامین‌کننده همه آن مقدسات می‌باشد. عدالت، آرمان هماری بشر و امری مافوق انسانی است که شایسته است همه انسان‌ها، از هیچ‌گونه فداکاری ممکن، در راستای برقراری آن، دریغ ننمایند» (مطهری، ۱۳۷۱: ۲۵۹).

شهید مطهری عدالت را به‌مثابه میزان و ضرورت تعادل برای بدن و روح می‌داند و معتقد است: «از دیدگاه اسلام، عدالت مقیاس دین است نه عکس آن». (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۵-۱۴) و می‌افزاید: «معنای مقیاس دین بودن عدالت همین است که فقیه شیعه به هنگام استنباط احکام دین باید عدالت را در سلسله علل احکام لحاظ نموده و احکام دین را منطبق بر عدالت بخواند، نه در سلسله‌ی معلول‌ها» (مطهری، ۱۳۶۲: ۱۵-۱۴).

با این دیدگاه اساساً حفظ و حراست از دین خدا بدون پایبندی به عدالت امکان‌پذیر نبوده و به بیان صریح نظام اسلامی، مجاز به زیر پا گذاشتن عدل اسلامی با مجوزهایی همچون حفظ دین یا نظام اسلامی نیست.

از این منظر در دوگانه‌هایی همانند امنیت و عدالت، اصالت با عدالت بوده و تمامی کارویژه‌های حکومت اسلامی بایستی در ذیل مفهوم عدالت دسته‌بندی شود.

عدالت در بلندای کارویژه برپایی نظام و حکومت اسلامی؛ تنظیم‌کننده‌ی نسبت اعمال و عدم اعمال مفهوم مدارا خواهد بود. نسبت عدالت و مدارا در ساحت‌های سه‌گانه‌ی عقیدتی-فکری، اخلاقی-گرایشی و فقهی-کنشی بر همین مبانی استوار است. درحقیقت باید گفت عدالت در مرتبه‌ای بالاتر؛ سنجه‌ای است که کارگزاران نظام سیاسی در ساحت‌های سه‌گانه، بایستی مدارا را با آن میزان

کنند. بدین منظور می‌توان از واژه‌ی حقوق شهروندی در ارتباط با مدارای سیاسی نام برد که مجموعه‌ای از نسبت عدالت با ساحت‌های سه‌گانه است.

جدول ۲. مولفه‌های مدارا در اندیشه‌ی استاد شهید مطهری

کدگذاری انتخاب	کدگذاری محوری	کدگذاری باز
دانش داده بنیاد	مقوله‌ها	گزاره‌ها
تربیت	اصل آزادی اسلامی	اعتقاد به خدا مساوی است با اینکه انسان آزاد و مختار باشد. فرد مؤمن به آخرت به آزادی دیگران احترام می‌گذارد انسان دوستدار دنیا، اسیر شهوت و خشم و حرص است، در نتیجه نمی‌تواند پاسدار آزادی دیگران باشد. مکتبی که ایمان و اعتقاد به خود ندارد، جلوی آزادی اندیشه و تفکر را می‌گیرد. در جمهوری اسلامی هیچ محدودیتی برای افکار وجود ندارد به شرطی که به نام خودشان باشد و نه به نام اسلام اجازه‌ی توطئه‌گری و فریب‌کاری را نمی‌دهیم
تواضع	اصل کرامت انسانی و اخلاق اسلامی	با کرامت انسانی تمام اخلاق مقدسه در انسان زنده می‌شود. کرامت انسانی باعث می‌شوند انسان به دنبال دروغ و خیانت و تن به ذلت دادن، نرود. حفظ کرامت انسانی و رعایت اخلاق اسلامی از سوی نظام اسلامی مورد تأکید است. زیربنای اخلاق، بازگشت دادن انسان به نفس خود و متوجه کردن او به شرافت و کرامت ذاتی‌اش است
حقوق شهروندی	اصل عدالت	عدالت یعنی تعامل متناسب با هر کسی و هر چیز به حسب استعداد، لیاقت و شایستگی عدالت، تأمین‌کننده‌ی همه مقدسات می‌باشد عدالت، آرمان هم‌راهی بشرواری مافوق انسانی است عدالت، مقیاس دین است نه عکس آن نظام اسلامی برای حفظ و حراست از دین نیاز به زیر پا گذاشتن عدالت نمی‌باشد. عدالت، سنجه‌ی اصلی در نسبت مدارا و نظام سیاسی می‌باشد.

۴. مولفه‌های مدارای سیاسی در الگوی حکمرانی از دیدگاه شهید مطهری

۴-۱. مدارا با مکاتب فکری، متحجران و متجددان

استاد شهید را می‌توان پرچم‌دار مقابله با جمود و تحجر دانست و از همین رو می‌توان شهید مطهری را شهید مبارز با تحجر نیز نامید. استاد، تحجرگرایی و تجددگرایی افراطی را معلول «جمود» و «جهل» دانسته و می‌گوید: «جامد از هرچه «نو» است، متنفر است و جز با کهنه خو نمی‌گیرد و «جاهل» هر پدیده نوظهوری را به نام مقتضیات زمان، به نام «تجدد» و ترقی موجه می‌شمارد (مطهری، (۲) ۱۳۹۴: ۱۱۰).

براین‌اساس باید گفت در اندیشه و دیدگاه شهید مطهری، متحجران و متجددان افراطی، گرفتار بیماری و انحراف هستند و آن‌ها را خطر می‌داند. «در یک مقیاس کلان و کلی، تفریط تحجر و افراط تجدد هر دو برادران دوقلوی جهل‌اند:

الجاهلُ إما مُفْرَطٌ أو مُفْرَطٌ» (مطهری، (۲) ۱۳۹۴: ۲۰).

استاد شهید در پیشینه تحجرگرایی به جریان‌های ذیل اشاره دارند:

(الف) گروهک خوارج که با شعار «حسبنا کتاب‌الله» سبب انزوای عترت و سنت نبوی شد و خسارت جبران‌ناپذیری به جامعه اسلامی وارد کرد.

(ب) افرادی که قرآن را یک‌سره به کنار نهاده و با شعار «حسبنا احادیثنا و اخبارنا» قرآن کریم را از بطن جامعه منزوی کردند.

(ج) جریان‌ی که تفکر و تعقل را تعطیل کرده و با شعار «أینَ التُّرابِ وَرَبِّ الأُربابِ» فکر و عقل را به گوشه‌ای وانهادند.

قشری‌گرایی، اخباری‌گری و ظاهرگرایی از ریشه‌های جمود و تحجر است که شهید مطهری بدان پرداخته است. این وضعیت در دوران مبارزه انقلابیون با رژیم پهلوی با روزآمد کردن مبانی فکری خود، در صفوف مبارزین وارد شده و موفق شد تا طرفدارانی را به‌خصوص از میان جوانان سامان‌دهی کند.

بارزترین نمود سامان‌یافته تحجر را می‌توان در گروهی که با نام «انجمن حجتیه» شناخته می‌شد، مشاهده کرد. این گروه باتوجه به آنچه رجوع به اصل دین می‌پنداشت، در مواقعی حساس سبب‌ساز برخی اشکالات در روند مبارزه‌ی عمومی مردم به رهبری امام خمینی (ره) با رژیم پهلوی شد که بارزترین آن را می‌توان در ماجرای چراغانی جشن‌های نیمه شعبان برشمرد.

حضرت امام (ره) در اعتراض به اعمال سرکوب‌گرانه‌ی رژیم پهلوی، جشن‌های نیمه شعبان را تعطیل اعلام کرده بودند و با صدور اعلامیه‌ای خواستار عدم برگزاری این جشن‌ها به‌منظور ابراز همدردی با کشته‌شدگان اعتراضات و توجه به مبارزه تا پیروزی نهایی شدند. اما انجمن حجتیه در مخالفت با این موضوع، برگزاری جشن‌ها را بدون توجه به وضعیت و موقعیت جامعه خواستار شد و در خوش‌بینانه‌ترین حالت می‌توان گفت از تحلیل وضعیت جامعه عاجز بودند؛ زیرا با مبانی فکری که در آن تعادل وجود نداشت، تصمیم‌گیری می‌کردند.

شهید مطهری از جمله متفکرانی است که در مقابله با این دسته هیچ‌گونه مداخله‌ای را روا ندانسته و البته شیوه‌ی مقابله ایشان، شیوه‌ی آگاه‌سازی و

مواجهه‌ی فعالانه از طریق برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی بوده است.

شهید مطهری با اعتقاد به حقانیت دین اسلام، اجازه‌ی اظهار نظر و فعالیت را برای این دسته مجاز شمرده که البته بر این اساس که با تابلوی همان جریان در صحنه‌ی فکری وارد شده و عقاید خود را با تابلو و نام اسلام مطرح نسازند.

«از اسلام فقط با یک نیرو می‌شود پاسداری کرد و آن علم است و آزادی دادن به افکار مخالف و مواجهه صریح و روشن با آن‌ها» (مطهری، (۱): ۱۳۷۲: ۱۹).

اگر بخواهند در زیر لوای اسلام، افکار و عقاید خودشان را بگویند، ما حق داریم که از اسلام خودمان دفاع کنیم و بگوییم اسلام چنین چیزی نمی‌گوید، حق داریم بگوییم به نام اسلام این کار را نکنید» (مطهری، (۱): ۱۳۷۲: ۱۹).

«اگرچه مردم در مسائلی که باید در آن فکر کنند، از ترس اینکه مبدا اشتباه بکنند، به هر طریقی آزادی فکری ندهیم و یا روح‌شان را بترسانیم که در فلان موضوع دینی و مذهبی مبدا فکر بکنی، این مردم هرگز فکرشان در مسائل دینی رشد نمی‌کند و پیش نمی‌رود» (مطهری، مرتضی، سلسله یادداشت‌های استاد مطهری، ج اول: ۴۶، انتشارات صدرا).

استاد شهید باز هم بنا به شیوه‌ی جامع خود، مطلق نوگرایی را توجیه نمی‌کند:

«... از طرف دیگر قرآن نمی‌گوید هرچه سنت است باید بر هم کوبید و هرچه نو است باید پذیرفت. یک عده هم می‌گویند نوگرایی، این چطور است؟ نوگرایی هم درست نیست زیرا هر نویی علامت رشد و تکامل و پیشرفت نیست. هر کهنه‌ای ابتدا نو بوده است، هر سنت احمقانه‌ای یک روزی نو بوده است، آیا روز اولی که نو بود درست بود، حالا که کهنه شده است، بد شده است؟

نه روز اولی هم که نو بود، چرند بود، قرآن می‌گوید حقیقت‌گرایی با عقل‌گرایی و منطق‌گرایی» (مطهری، مرتضی، تحجر و تجدد از منظر استاد شهید مطهری، پایگاه جامع استاد شهید مرتضی مطهری).

با این اوصاف می‌توان دیدگاه شهید مطهری را در مورد تحجر چنین از زبان استاد بیان کرد:

«اسلام هم با جمود مخالف است و هم با جهالت، خطری که متوجه اسلام است هم از ناحیه‌ی این دسته است و هم از ناحیه‌ی آن دسته. جمودها و خشک‌مغزی‌ها و علاقه‌نشان دادن به هر شعار قدیمی- و حال آنکه ربطی به دین اسلام ندارد- بهانه به دست مردم جاهل می‌دهد که اسلام را مخالف تجدد به معنی واقعی بشمارند» (مطهری، ۱۳۸۳: ۴۸۲-۴۸۴).

همان‌گونه که از بازخوانی آرای استاد شهید متوجه می‌شویم؛ تحجر و جمودگرایی در اسلام ریشه و سابقه‌ای دیرین دارد و ایشان نیز بنای بر انفعال در برابر آن نداشته‌اند اما نسبت مدارا با علمای مخالف و متحجران در دیدگاه شهید مطهری، نسبتی حداکثری است. به بیان دیگر در سنت و آرای استاد، هیچ‌گاه برخوردی سرکوب‌گرایانه در برابر طرح اندیشه و حتی فعالیت‌های فکری این دسته مشاهده یا تجویز نشده است؛ بلکه نسخه‌ی تجویزی همانا فعالیت‌های روشن‌گرایانه است. ناگفته پیداست حساب توطئه‌گری و اعمال خشونت‌بار همچون مواجهه ملی‌نه، کودتا یا دسته‌بندی‌های شبه‌نظامی برای مقابله با اقتدار نظام اسلامی از این وضعیت جداست.

در نتیجه باید گفت کاربست مدارا در الگوی حکمرانی از دیدگاه شهید مطهری در مواجهه با علمای مخالف و متحجران، حداکثری بوده و بایستی با ورود فعالانه به عرصه‌های فرهنگی- اجتماعی با آن‌ها مقابله‌ای اصولی داشت.

۴-۲. مدارا با اقلیت‌های مذهبی و دینی

نحوه‌ی مواجهه و تعامل با اقلیت‌های مذهبی و دینی در نظام اسلامی از جمله دل‌مشغولی‌های این افراد در ادوار گوناگونی از نظام‌های اسلامی بوده است.

از جمله‌ی این موارد جزیه دادن اقلیت‌ها بوده که در مواردی از آن با عنوان باج گرفتن نظام اسلامی از اقلیت‌ها یاد می‌شد و در این جهت، استاد بدین‌گونه پاسخ داده‌اند: «آیا جزیه یعنی باج دادن و باج گرفتن؟ آیا مسلمانان که در گذشته جزیه می‌گرفتند در واقع باج می‌گرفتند؟ باج به هر شکل زور است و ظلم است و خود قرآن، ظلم را به هر شکل و به هر صورتی نفی می‌کند. جزیه مفهومش مالیات است و بدیهی است که مالیات دادن غیر از باج گرفتن است. خود مسلمین نیز باید انواعی مالیات بدهند. چیزی که هست، شکل مالیات اهل کتاب با مالیاتی

که مسلمین می‌پردازند، فرق می‌کند، ما وقتی وارد ماهیت قانون می‌شویم، می‌بینیم که جزیه برای آن عده از اهل کتاب است که در ظل دولت اسلامی زندگی می‌کنند، رعیت دولت اسلامی هستند، دولت اسلامی نیز وظایفی برعهده‌ی ملت خودش دارد و یک تعهداتی دربرابر آنها.

وظایف این است که اولاً باید مالیات‌هایی بدهند که بودجه‌ی دولت اسلامی اداره شود. آن مالیات‌ها اعم است از آنچه به‌عنوان زکات گرفته می‌شود و از آن چیزهایی که به‌عنوان دیگر گرفته می‌شود ...

اهل کتاب اگر در ظل دولت اسلامی به‌سر ببرند نه موظف‌اند که آن مالیات‌های اسلامی (مانند خمس و زکات) را بپردازند و نه موظف‌اند که در جهادها شرکت کنند یا اینکه منفعت جهاد عاید آنها هم می‌شود؛ بنابراین وقتی که دولت اسلامی امنیت مردمی را تامین می‌کند و آنها را تحت حمایت خودش قرار می‌دهد - چه مردم خودش، چه غیر خودش - یک چیزی هم از مردم می‌خواهد مالی یا غیرمالی، از اهل کتاب به‌جای زکات و غیر زکات جزیه می‌خواهد و حتی به‌جای سربازی هم جزیه می‌خواهد و لذا در صدر اسلام این‌چنین بوده است، هر وقت اهل کتاب داوطلب می‌شدند که بیایند در صف‌های مسلمین به‌نفع مسلمین بجنگند، مسلمین جزیه را برمی‌داشتند و می‌گفتند ما این جزیه را از شما می‌گیریم به‌دلیل اینکه شما سرباز نمی‌دهید، حالا که شما سرباز می‌دهید ما حق نداریم از شما جزیه بگیریم» (مطهری، ۱۳۹۶: ۷۰-۶۶).

آن چنان‌که از این مورد خاص برمی‌آید؛ بنای نظام اسلامی در تعامل و مواجهه با اقلیت‌های مذهبی و دینی بر مدار استوار است. در الگوی حکمرانی از دیدگاه شهید مطهری، نظام اسلامی بایستی با اقلیت‌های دینی و مذهبی به‌منظور انجام عبادات و عادات دینی و مذهبی مدارای حداکثری کرده و آنها را در این امور در تنگنا قرار ندهد.

در حقوق شهروندی نیز نظام اسلامی به‌مانند سایر شهروندان خود بایستی به تکالیف خود دربرابر اقلیت‌ها و اهل کتاب عمل کرده و درمقابل، حقوق خود را از آنها مطالبه کند.

براین اساس می‌توان گفت، اقلیت‌های دینی و مذهبی در ساحت عقیدتی - فکری و اخلاقی - گرایشی به‌منظور آنچه بدان معتقدند و آداب‌ورسومی که بدان تعلق خاطر دارند؛ از حمایت نظام اسلامی برخوردارند و در حوزه‌ی فقهی - کنشی موظف به رعایت قوانین و مقررات موضوعه‌ی نظام اسلامی هستند و حدود مدارای سیاسی با آنان در الگوی حکمرانی از دیدگاه شهید مطهری در میزان رعایت و عدم‌رعایت این حدود معین می‌شود.

۴-۳. مدارا با گروهک‌های مخالف

جنس مبارزه با رژیم پهلوی به‌نوعی بوده که مردمی و عمومی بودن آن برجسته می‌نمود. این موضوع سبب شده بود تا گروه‌های مختلفی بنا به مشرب‌های فکری متنوعی نسبت به سازمان‌دهی طرفداران خود اقدام کنند.

اگرچه طیف وسیعی از این گروه‌ها با پذیرفتن رهبری امام خمینی (ره) تشکیلات واحدی را درنهایت تشکیل داده بودند؛ اما گروهک‌هایی بودند که بعضاً با تابلوی اسلام و حتی نام حضرت امام (ره)، طرفدارانی را جذب و سازمان‌دهی کرده و در میانه‌ی مسیر ماهیت اصلی خود را عیان کردند.

طیف این گروهک‌ها از چپ‌ها با مبانی مارکسیستی تا مجاهدین خلق به‌نوعی در فرآیند مبارزات انقلابی سهم شده و درصدد بهره‌برداری از فضای کلی جامعه و دستاوردهای انقلاب اسلامی برآمده بودند.

با پیروزی انقلاب اسلامی؛ این گروهک‌ها سهم‌خواهی را با روی آوردن به فعالیت‌های تهدیدآمیز و در مرحله‌ی بعد فعالیت‌های شبه‌نظامی و درنهایت فعالیت‌های مسلحانه آغاز کردند.

دیدگاه و سیره عملی استاد شهید در نحوه مواجهه و تعامل با این گروهک‌ها الگویی مناسب برای کاربست مدارا در فرآیند حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران است.

اگرچه استاد شهید درنهایت به دست یکی از همین گروهک‌ها به نام گروهک «فرقان» به شهادت رسیدند؛ اما آنچه در این مقاله موردتوجه است، بازخوانی دیدگاه‌های استاد شهید است.

شهید مطهری با ماموریت از طرف حضرت امام (ره) هسته اصلی شورای انقلاب را تشکیل دادند و این شورا وظیفه انجام امور مربوط به انقلاب اسلامی را با رهبری امام خمینی (ره) انجام می‌دادند. از این جهت نقش شهید مطهری بسیار حائز اهمیت است.

آقای هاشمی رفسنجانی در مورد نحوه مواجهه استاد شهید و گروهک‌های مخالف قبل از پیروزی انقلاب اسلامی می‌گوید: «ما وقتی در سال ۵۳ با ارتداد بخشی از منافقین و توسعه فکر مارکسیستی در میان عده‌ای از جوانان مبارز مواجه شدیم و مخصوصاً در زندان‌ها این بلا شدید شد و تفرقه‌ای در میان صفوف انقلابیون پیش آمد، کار بسیار مشکل شده بود، هم در زندان و هم در بیرون و اینجا استوانه‌هایی مثل مرحوم مطهری بسیار کارساز بودند و دشمن هم این‌ها را خطر محسوب می‌کرد. اگر یادتان باشد در سال‌های آخر پیروزی، از مراکز فراوانی می‌خواستند مرحوم مطهری را زیر سوال ببرند، برای اینکه این فکر او و این رویه را منکوب کنند تا بتوانند افکار انحرافی را حاکم کنند (واتقی‌راد، ۱۳۹۱: ۷۱).

سیره‌ی استاد، به دلیل حاکمیت طاغوت و عدم حاکمیت نظام اسلامی با این گروهک‌ها، آگاه‌سازی و روشننگری و مقابله با انحرافات فکری و عقیدتی این گروهک‌ها بود؛ زیرا اقدامات و مبارزات این گروه‌ها در مقابله با رژیم پهلوی صورت می‌گرفت و در این راستا ضربه‌ای به ارکان نظام اسلامی وارد نمی‌شد؛ زیرا اساساً پیروزی انقلاب اسلامی محقق نشده بود.

از جمله نمونه‌های مصداقی می‌توان به روایت مرحوم موسوی اردبیلی در مواجهه با کمونیست‌ها در دانشگاه صنعتی شریف اشاره کرد که استاد شهید در این جلسه‌ی دانشجویی شرکت کرده و مباحث منطقی را به نمایندگی از مسلمانان مطرح می‌کنند. نمونه‌ی دیگر از سیره‌ی عملی استاد شهید را از زبان دکتر علی مطهری فرزند ایشان بازخوانی می‌کنیم: «ایشان در هر فرصتی که اقدام عملی را لازم و موثر می‌دیدند، با قاطعیت وارد عمل می‌شدند. در راهپیمایی روز تاسوعای سال ۵۷ ایشان وقتی مشاهده کردند یکی از بستگان به سازمان منافقین روی یک مینی‌بوس درصدد تشریح آرم سازمان است، فوراً دستور دادند تا این فرد و آن آرم را پایین بکشند.

بعضی به ایشان گفتند که آقا این کار به صلاح نیست و راهپیمایی را به هم می‌ریزد. اما ایشان به هیچ‌وجه زیر بار نرفتند و گفتند: به هر قیمت باید جلوی این کار را بگیرید و هر کس هم که در جریان این کار کشته شود، شهید است (روزنامه کیهان، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۱: ۳). در همین زمینه قاطعیت استاد برای جلوگیری از اداره مراسم استقبال از ورود حضرت امام خمینی (ره) به میهن توسط مجاهدین خلق مثال‌زدنی است. استاد شهید در اموری که بویی از توطئه‌گری و عمل منافقانه را در آن‌ها استشمام می‌کردند، هیچ مدارایی را روا ندانسته و قاطعیت را در چارچوب موازین اسلامی و دینی به کار می‌بستند.

نقش بارز استاد در تعیین فرمانده کمیته‌های انقلاب اسلامی، نخست‌وزیری مرحوم بازرگان و ... بیانگر اعتقاد عملی ایشان به تلفیق عقیده و عمل است. در نتیجه می‌توان گفت نسبت مدارا با گروهک‌های مخالف در الگوی حکمرانی از دیدگاه شهید مطهری، مدارا در جدال و گفت‌وگوی احسن و قاطعیت و مقابله در توطئه و عمل منافقانه است. قاطعیت استاد شهید آن‌گونه بوده که خون پاک ایشان گواهی بر مظلومیت ایشان در سپهر تاریخ ایران اسلامی شد.

جدول ۳. مؤلفه‌های مدارای سیاسی از دیدگاه استاد شهید مطهری

ردیف	حوزه‌ی اعمال مدارا	مخاطبان	محدوده‌ی مدارا	محدوده‌ی عدم مدارا
۱	حوزه‌ی عقیدتی- ایمانی	مکاتب فکری، متحجران و متجددان مخالف	آزادی بیان و عقیده آزادی گفت‌وگو و جلال احسن	سوءاستفاده از تابلوی اسلام
	مخالفان عقیدتی فکری			
۲	حوزه‌ی اخلاقی- گرایش	اقلیت‌های دینی و مذهبی	آزادی علایق و رفتارهای شخصی آزادی مناسک و آداب مذهبی و دینی	خدشه بر قانون، اباحه‌گری و ولنگاری
	مخالفان دینی و مذهبی			
۳	حوزه‌ی فقهی- کنشی	گروهک‌های مخالف	آزادی انتخابات آزادی احزاب سیاسی آزادی اعلام مواضع	توطئه و عمل منافقانه
	مخالفان سیاسی			

نتیجه‌گیری

کاربست راهبرد مدارای سیاسی در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه شهید مطهری در اندیشه و رفتار سیاسی، در اصول و مولفه‌ها با یکدیگر مطابقت داشته است. مساعی مسئولانه‌ی استاد شهید در پرداخت موضوعاتی که انقلاب اسلامی ناگزیر به ورود و پاسخگویی در آن‌ها بوده، سبب شده تا در

طراحی الگویی برای حکمرانی در نظام جمهوری اسلامی ایران، داده‌های قابل بهره‌برداری در دسترس قرار گیرد.

جدول زیر با بهره‌گیری از روش داده بنیاد، کدهای انتخابی مدارا در دو حوزه‌ی اندیشه و رفتار سیاسی شهید مطهری را بیان می‌کند:

جدول ۴. کاربست راهبرد مدارای سیاسی در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران از دیدگاه شهید

مطهری

حوزه‌های مدارا	مدارا در اندیشه‌ی شهید مطهری	کاربست مدارا در الگوی حکمرانی
عقیدتی- ایمانی	علم و تربیت	حفظ مبانی و اصول اسلامی جلوگیری از انحراف و سوءاستفاده از تابلوی اسلام
اخلاقی- گرایشی	تواضع	حفظ قانون نظام اسلامی
فقهی- کنشی	عدالت	اجرای عدالت

بر این اساس، راهبرد مدارای سیاسی در سه‌گانه‌ی بینشی، گرایشی و کنشی، دارای مبانی دینی و قرآنی است. نظام اسلامی در حوزه‌ی عقیدتی-ایمانی علاوه بر مدارای حداکثری به‌منظور آزادی شهروندان در اختیار و انتخاب عقیده و مذهب، موظف است نظام آزاداندیشی و گفتگو به شیوه‌ی احسن را حمایت و تقویت کند. استاد شهید معتقدند، آموزش و تربیت، بایستی در الگوی حکمرانی نظام اسلامی، به حفظ مبانی و اصول اسلامی از طریق ارائه مفاهیم ناب دینی به صورت ایجابی و پرهیز از اقدامات سلبی اهتمام ورزد. در حوزه‌ی گرایش با تاکید بر اخلاق فردی، تواضع بایستی سرلوحه‌ی کارگزاران نظام اسلامی بوده و در اخلاق و وجدان کاری، قانون مورد تاکید نظام اسلامی، خط قرمز مداراست. در الگوی حکمرانی نظام جمهوری اسلامی ایران و کارگزاران تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز هستند که در حوزه‌ی فردی و مناسبات شخصی، متواضع و نقدپذیر هستند و بدون هیچ‌گونه سخت‌گیری از حقوق مربوط به شخص خود با مدارای حداکثری، گذشت می‌کنند. اما در مقام حفظ و حراست از منافع و منابع ملی، تنها با سنجهی قانون، مواجهه و برخورد دارند. در حوزه‌ی کنش سیاسی، کلیدواژه موردتاکید استاد شهید، عدالت در معنا و مفهوم مورد قبول شهید مطهری است که می‌تواند به‌عنوان کارویژه حکمرانی نظام اسلامی مطرح شود، آن‌چنان که رسالت انبیا و اولیای الهی بر این کلیدواژه استوار بوده است.

منابع

- امام خمینی، روح الله (۱۳۷۴). شرح چهل حدیث، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- امام خمینی، روح الله (۱۳۸۲)، شرح حدیث جنود عقل و جهل، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- امام خمینی، روح الله (بی تا). جهاد اکبر یا مبارزه با نفس، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- برزگر، ابراهیم (۱۳۸۹). «ساختار فهم اندیشه سیاسی اسلام»، دانش سیاسی، سال ششم، شماره ۲.
- برزگر، ابراهیم و مصطفی بیات (۱۳۹۵). «الگوی مطلوب سیاست‌گذاری مدارا در جمهوری اسلامی ایران»، رهیافت/انقلاب/اسلامی، سال دهم، شماره ۳۵.
- بشیری، حسین (۱۳۷۴). دولت عقل، ده گفتار در فلسفه و جامعه‌شناسی سیاسی، تهران: علوم نوین.
- شریعت، فرشاد (۱۳۸۲). «تحول جامعه مدنی در اندیشه سیاسی غرب: لاک؛ نامه‌های تساهل و حکومت مدنی»، اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۱۹۰-۱۸۹.
- حسینی، کاظم (۱۳۹۵) آزادی در اندیشه‌ی سیاسی، استاد شهید مرتضی مطهری، فصل‌نامه‌ی سیاسی، سال ۳ شماره ۱۱ پاییز
- منصوریان، یزدان (۱۳۸۶). «گراندد تئوری چیست و چه کاربردی دارد؟»، همایش چالش‌های علم اطلاعات، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۲) بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی، تهران: انتشارات حکمت، چاپ اول،
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۱) سیری در سیره ائمه اطهار، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲) پیرامون جمهوری اسلامی، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۲) حکمت‌ها و اندرزها، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۹) یادداشت‌های استاد مطهری، ج ۱، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲) انسان و ایمان، تهران، انتشارات صدرا، تهران
- مطهری، مرتضی، (۱۳۸۳) مجموعه آثار، جلد ۲۱، انتشارات صدرا، تهران

مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴) آزادی معنوی، مجموعه آثار ۲۳، انتشارات صدرا، تهران
مطهری، مرتضی، (۱۳۸۴) انسان کامل، مجموعه آثار ۲۳، انتشارات صدرا، تهران
مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵) انسان و سرنوشت، مجموعه آثار ۱، انتشارات صدرا، تهران
مطهری، مرتضی، (۱۳۸۵) مجموعه آثار، جلد ۱۹، انتشارات صدرا، تهران
مطهری، مرتضی، (۱۳۹۴) سیری در نهج البلاغه، انتشارات صدرا، تهران
مطهری، مرتضی، (۱۳۹۴) مجموعه آثار، جلد ۹، انتشارات صدرا، تهران
مطهری، مرتضی، (۱۳۹۶) جهاد، چاپ ۳۰، انتشارات صدرا، تهران
وائقی راد، محمدحسین (۱۳۹۱) مصلح بیدار - جلد اول: مجموعه مصاحبه‌ها، مقالات، سخنرانی‌ها و ... درباره زندگانی و شخصیت شهید آیت‌الله مطهری، انتشارات صدرا، تهران

دیگر منابع

روزنامه کیهان، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۸۱